



حادثه‌ها

مقتول را کشتیم چون عاشق همسرش بودم

● شرق: مردی که بعد از علاقه‌مندشدن به زنی متاهل به توصیه او شوهرش را کشته بود، در بازجویی‌ها اعتراف کرد برای ازدواج با این زن دست به جنایت زد. به گزارش خبرنگار ما، زنی جوان روز ۲۲ آذر همراه برادر همسرش به کلاشتری همدشت مراجعه و عنوان کرد همسرش برای مسافركشی از خانه خارج شده و بازنگشته و تلفن همراهش نیز خاموش شده است. این زن ۳۰ساله به نام ترانه بعد از معرفی به پایگاه نهم پلیس آگاهی تهران در اظهاراتش به کارآگاهان گفت: «همسر ۳۳ساله‌ام به نام ناصر روز پانزدهم از خانه خارج شد؛ پس از گذشت ساعتی تماس گرفت و گفت یک مسافر درستی برای جاده چالوس دارد. پس از آن و در آخرین تماسی که با هم داشتیم، ناصر گفت به خاطر بارش شدید برف و بسته‌شدن جاده نمی‌تواند به تهران بازگردد و پس از آن دیگر پاسخ‌گوی تماس‌های تلفنی من و خانواداش نبود تا اینکه گوشی تلفن همراهش خاموش شده». کارآگاهان ابتدا موفق به شناسایی جسد ناشناسی مطابق با مشخصات ناصر در منطقه پاکدشت شدند و ضمن شناسایی جسد ناصر اطلاع پیدا کردند وی به علت شلیک از فاصله بسیار نزدیک و اصابت دو گلوله به ناحیه پشت‌سر به قتل رسیده است. همچنین مشخص شد شاووزران زمین‌های زراعی، هنگام انتقال آب کشاورزی به زمین‌های خود با جسد مقتول روبه‌رو شدند. کارآگاهان در تحقیقات به از تباط همسر مقتول با فردی به نام «اصغر» (۳۵ساله) پی بردند که با وی در یک شرکت خصوصی همکار است. به‌همین‌دلیل «اصغر» را دستگیر کردند. کارآگاه گفت: «ناصر را روبه‌روشدن با مستندات و دلایل غیرقابل انکار گفت: «ناصر را کشته‌ام چون عاشق همسرش بودم». اصغر گفت: «من و ترانه با یکدیگر در یک شرکت خصوصی همکار هستیم و در این مدت به او علاقه‌مند شده بودم. اما او همسر داشت. در صحبت‌هایی که با ترانه داشتیم، متوجه شدم او با همسرش اختلاف شدیدی دارد و همین دلیل باعث شد تا من از این موضوع شدیدی و علاقه خودم به او صحبت کنم. زمانی که ترانه از علاقه شدید من به خودش اطلاع پیدا کرد، قبول کرد با من زندگی کند به شرط اینکه همسرش را به قتل برسانم». اصغر ادامه داد: «ترانه شرط کرده بود فقط در صورت مرگ همسرش می‌تواند با من ازدواج کند. برای همین با کمک یکی از دوستانم، دو روز قبل از جنایت سلاح کمری خریدم. ترانه درباره شغل همسرش با من صحبت کرده و گفته بود اگر درخواست خودروی درستی‌کنم، همسرش قطعا قبول خواهد کرد. با ناصر تماس گرفتم و همان‌گونه که ترانه گفته بود، با طرح مبلغ قابل‌توجهی، درخواست ماشین درستی‌کردم و متقول نیز در محله‌ای که به او در منطقه مامازن شهرستان پاکدشت آدرس داده بودم، حاضر شد. سوار ماشین شدم و به بهانه برداشتن وسیله از کارگاه تولید شیرآلات به راه افتادم. در مسیر سلاح را از زیر لباسم خارج و با تهدید، مقتول را مجبور به توقف کردم. ماشین را خاموش و اقدام به شلیک کردم. هم‌زمان با اعتراف صریح اصغر به ارتکاب جنایت، کارآگاهان اطلاع پیدا کردند ترانه برای پیگیری پرونده مرگ همسرش به پلیس آگاهی پاکدشت رفته که بلافاصله هماهنگی‌های لازم با پلیس آگاهی پاکدشت انجام و ترانه نیز در آنجا دستگیر شد.

شناسایی و دستگیری عامل اغفال دختر ۱۴ساله

● رئیس پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات فرماندهی انتظامی استان گیلان از شناسایی و دستگیری عامل اغفال دختر ۱۴ساله گیلانی در یکی از شبکه‌های اجتماعی موبایلی خبر داد. سرهنگ ایرج محمدخانی گفت: در پی ارجاع یک قفره پرونده از دادسرای عمومی و انقلاب رشت به دادخواهی شهروند گیلانی مبنی بر اغفال دختر ۱۴ساله‌اش از یکی از پیام‌رسان‌های موبایلی، موضوع در دستور کار پلیس قوه قرار گرفت. وی ادامه داد: با پی‌جویی‌های فنی و پلیسی، عامل اغفال دختر ۱۴ساله گیلانی در شبکه اجتماعی موبایلی که فردی ۱۹ساله اهل و ساکن رشت بود، شناسایی و دستگیر شد. به گفته رئیس پلیس قوه گیلان، متهم با توجه به دلایل دیجیتال‌کشف‌شده به‌صراحت به جرم انتسابی خود و اینکه او جلب اعتماد شاکی او را اغفال و با دریافت عکس و فیلم غیراخلاقی و تهدید به انتشار آن در فضای مجازی از او اخاذی کرده، اعتراف کرد.

فوت ۳ کارگر بر اثر گازگرفتگی

● رئیس اورژانس پردیس از فوت سه کارگر جوان در کارگاه صنعتی در پردیس بر اثر گازگرفتگی خبر داد. نادر شایان با اعلام این خبر اظهار کرد: در تماس تلفنی از سه سوزی شهروندان یک مورد گازگرفتگی به اورژانس پردیس اعلام شد که اکپب پایگاه اورژانس بلافاصله در محل حاضر شدند. شایان افزود: محل این حادثه یکی از کارگاه‌های صنعتی سیاستسگ بود که پس از رسیدن نیروهای اورژانس با پیکر بی‌جان سه جوان روبه‌رو شدند که پیکر جان‌باختگان برای مشخص‌شدن علت دقیق مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد. رئیس اورژانس پردیس بیان کرد: این مسمومیت و مرگ بر اثر گاز شهری و بخاری بدون دودکش بوده و زمان دقیق حادثه مشخص نیست زیرا پیش از رسیدن آمبولانس افراد حادثه‌دیده جان خود را از دست داده بودند.



شرق: فقط ۱۰ ثانیه لازم بود تا هیمنه ابرشهر تهران بشکند و با زلزله پنج‌دودهم‌ریشتری به شهری آشفته و بی‌قرار که حتی نمی‌تواند از شهروندان خودش مراقبت کند، تبدیل شود. ساعت ۲۳ و ۲۷ دقیقه چهارشنبه‌شب وقتی شهروندان تهرانی و کرجی هنوز داشتند به بحران آلودگی هوا در این کلان‌شهرها فکر می‌کردند و با اخبار آن درگیر بودند، تکان‌های افقی و عمودی در خانه‌ها و صدایی مهیب شبیه انفجار، آلودگی هوا را از ذهن مردم پاک کرد. به فاصله چند ثانیه کانال‌های تلگرامی خبر زلزله در تهران را مخابره کردند هرچند ظاهر این خبر خشن و دلهره‌آور بود اما لبخندی هم بر لب تهرانی‌ها نشاند؛ آنها فهمیدند آسیب جدی نبوده و هنوز می‌توانند با گوشی‌های خود کار کنند و اخبار مخابره می‌شود؛ هرچند این اطمینان خاطر نتوانست مردم شهرهای تهران و کرج را در خانه‌هایشان نگه دارد و به فاصله چند دقیقه ترافیک سنگینی در بزرگراه‌ها ایجاد شد. بیشترین احساس لرزش ناشی از زلزله ابتدا میان مردم کرج و بعد غرب تهران بود. اعظم یکی از اهالی فردیس کرج درباره لحظه زلزله به خبرنگار ما گفت: ابتدا صدای بسیار مهیبی آمد؛ صدایی فراتر از یک رعدوبرق. منظر بارش باران بودیم و اولین تصویری که در ذهنمان بود، صدای رعدوبرق بود اما بلندی صدا آن‌قدر زیاد بود که مطمئن شدم قطعا رعدوبرق نیست، بعد فکر کردم شاید به کشور حمله شده است؛ غرش صدا و لرزش با هم بود؛ انگار که بمبی منفجر شده است. بعد از طریق شبکه‌های مجازی متوجه شدم که زلزله آمده است. ما همگی شب را تا صبح در حیاط خانه به سر بردیم، وسایل دم‌دستی برداشتیم و به حیاط رفتیم.

امیر دیگر شهروند کرجی هم می‌گوید: در آپارتمان زندگی می‌کنم؛ یکدفعه صدای مهیبی آمد؛ چیزی شبیه انفجار و شیشه‌ها لرزید. مدت لرزش کم بود، به نظرم نیم‌د زلزله باشد اما با توجه به تجربه‌ای که از انفجار ملکی داشتم، یک‌درمک شاید دوباره انفجاری صورت گرفته باشد. بعد از طریق شبکه‌های مجازی متوجه شدم زلزله آمده است. به فاصله چند ثانیه صدای آژیر آمبولانس‌ها آمد و مردم به خیابان ریختند؛ بیشتر مردم در ماشین‌هایشان خوابیده بودند. شهر تا صبح روشن و رفت‌وآمد در جریان بود؛ مثل هر شب نبود. با توجه به نزدیکی شب پیدا دست‌فروش‌ها همچنان در خیابان بودند؛ آن‌قدر وحشت کرده بودند که اصلا متوجه نشدند چطور می‌توانند وسایلشان را جمع کردند. او با خنده می‌گوید وقتی مأموران شهرداری می‌آیند، سرعت فرار دست‌فروش‌ها آن‌قدر نیست؛ آنها خیلی سریع پیاده‌روها را خالی کردند. او در پاسخ به این سؤال که چرا مردم به سمت سوله‌های بحران نرفتند، می‌گوید: راستش من اصلا نمی‌دانم سوله بحران چیست. در این چند روز که صحبت زلزله شده، فهمیدم سوله بحران مربوط به شهرداری است و در بیشتر هم وجود دارد. اطلاع‌رسانی در این‌باره نشده بود. ضمن اینکه مردم بیشتر ترجیح می‌دهند در مکانی سرباز باشند، بیشتر در خیابان یا پارک‌ها بودند. من و خانوادام تا صبح در پارک خوابیدیم، امکانات زیادی هم نداشتیم؛ چند پتو برداشتیم و بیرون آمدم؛ آمادگی نداشتم. در پارک هم مشکلاتی وجود داشت؛ جمعیت زیاد بود، سرویس بهداشتی کم بود. در پارک‌ها جای سوزن‌ن‌داختن نبود. مردم وحشت‌کرده بودند و این وحشت آنها را به هم نزدیک‌تر کرده بود. با هم همکاری می‌کردند. تهران هم وضعیتی تقریبا شبیه کرج داشت، بیشتر مردم غرب تهران شب را در خیابان‌ها ماندند. آنها بیشتر از مردم مناطق دیگر تهران متوجه لرزش زمین شدند و زلزله را احساس کردند. الهام یکی از اهالی خیابان ستارخان می‌گوید: خانه ما مثل گهواره کودک تکان خورد. من ساکن طبقه چهارم یک ساختمان نوساز هستم؛ هیچ چیز نلکست؛ فقط خانه صدا داد. از دیوارهای خانه هم صدا می‌آمد؛ به نظر من زلزله طوانی بود اما همسرم می‌گوید چند ثانیه بیشتر طول نکشید و من بچه‌ام را برداشتم و به خیابان دودیم و بعد هم تا صبح کنار پارک بودیم. خیابان‌ها خیلی شلوغ بود، وقتی داشتیم با ماشین به سمت یکی از پارک‌ها می‌رفتیم، ترافیک خیلی سنگین شد. مردم از خط ویژه می‌رفتند، صدای آمبولانس می‌آمد، ماشین‌های آتش‌نشانی هم بودند که آژیرکشان می‌رفتند. اول فکر کردم حتما جایی تخریب شده است که این همه ماشین امدادی آمده است اما مردم با ماشین‌هایشان چنان فرار می‌کردند که دیگر کسی به ماشین امدادی و راه‌اندن به آن فکر نمی‌کرد. چند ماشین چند وسیله را برعکس می‌رفتند. پلیس راهنمایی و رانندگی سعی کرد جلوی آنها را بگیرد، اما نتوانست؛ کار از دست همه در رفته بود. وقتی به پارک رسیدیم مجبور شدیم ماشین را از دونه بگذاریم و کنار پارک جادر بزنیم. آب و غذا با خودمان نبرده بودیم، وقتی به پارک رسیدیم، تازه فهمیدیم که هیچ چیز نداریم. من بچه کوچک دارم،

حوادث



باید برایش پوشک برمی‌داشتم ولی پوشک هم نداشتم. همسرم از داروخانه پوشک خرید؛ داروخانه هم خیلی شلوغ بود؛ مردم آمده بودند تا دارو بخرند و ذخیره کنند. مرد فروشنده دارو نمی‌داد و همین هم باعث جروحیت شده بود. او می‌گوید از طریق شبکه‌های اجتماعی متوجه شد در تهران مراکزی برای پناه‌گرفتن وجود دارد: من نمی‌دانستم می‌توانیم در ورزشگاه‌ها پناه بگیریم و آنجا بنامیم تا خطر برطرف شود؛ هرچند می‌گویند خطر به همین راحتی هم برطرف نمی‌شود. با این حال وقتی صبح شد، شوهرم به خانه رفت و کمی لباس و وسایل برداشت که به سمت ورزشگاه آزادی برویم. خیلی ترافیک بود؛ کسانی آنجا بودند که ما را راهنمایی کنند اما ظرفیت ورزشگاه هم خیلی زود پر شد و تعداد زیادی از مردم بیرون ماندند. بسیاری از مردم تهران که از ترس زلزله شب را در خیابان به صبح رساندند، برای گرم‌کردن خود آتش روشن کرده بودند. عباس، مرد میانسال، یکی از آنها بود. او می‌گوید اهل شرق تهران است اما برای بودن کنار دوستانش به غرب آمده است؛ دوستم زنگ زد و گفت زلزله شده و ما به خیابان آمدم. من خودم زلزله را خیلی احساس نکردم اما بچه‌ها که گفتند آتش روشن کردند، من سب‌زمینی و تخم‌مرغ و نان و میوه برداشتم و راهی جایی شدم که بچه‌ها بودند؛ دور هم بودیم و خوش گذشت. شب پیدا هم همان‌جا ماندیم، البته آدم خسته می‌شود و می‌خواهد به خانه برگردد اما بچه‌ها خیلی ترسیده بودند و در خانه ماندند.

وحشت از بازگشت به‌خانه

مشکلاتی که گریبان مردم وحشت‌زده تهران را گرفت فقط مربوط به ترک خانه‌هایشان نبود؛ مسئله اصلی آنها وحشت از بازگشت به خانه و نبود امکانات بهداشتی است. نرگس دانشجو است و در خوابگاه زندگی می‌کند. او می‌گوید بعد از زلزله به اتفاق دوستانش، به خیابان رفت؛ زلزله که شد، خوابگاه‌ها به هم ریخت و دخترها با بیج و داد بیرون آمدند و در حیاط بودند. ما می‌خواستیم بیرون باییم، مسئول خوابگاه گفت که اجازه نمی‌دهد اما بچه‌ها به حرفش گوش نکردند؛ همه خیلی ترسیده بودند، به سمت پارک رفتیم، خیلی وحشت کرده بودیم. چند ساعت که گذشت، برای استفاده از توالت به سمت توالت‌های پارک رفتیم؛ باورتان نمی‌شود اما صفا‌های خیلی طولانی بود؛ بعد هم آن‌قدر استفاده شده بود که کثیف شده و قابل سرپیل‌زدن نبود، وضعیت خیلی بد بود. به مکان‌های سرستنه هم که نمی‌توانستیم برویم، خانوادام از شهرستان تماس گرفته‌اند که به خانه برگردم و احتمالا همین کار را بکنیم. خبرنگار ما از سطح شهر تهران گزارش می‌دهد مردمی که در پارک‌های تهران پناه گرفتند، دچار کمبود امکانات بودند. ظرفیت پارک‌های تهران به اندازه‌ای نیست که پذیرای این جمعیت باشد و شیر آب‌های آشامیدنی و سرویس‌های بهداشتی کم است و تمیز نشده و در صورت ادامه حضور مردم در پارک‌ها به یک بحران تبدیل خواهد شد. عباس صاحب سوپرمارکت در خیابان ستاری است؛ او می‌گوید: داشتیم وسایل را جمع می‌کردم که مغازه را ببندم و بروم که زلزله آمد؛ شیشه‌های مربا و آب‌لیمو و ترشی‌ها از قفسه بیرون ریخت و شکست؛ باین‌حال بیرون دودید؛ زلزله که تمام شد، می‌خواستم کرگه را پایین بکشم و بروم که مردم به مغازه هجوم آوردند؛ به فاصله ۱۰ دقیقه از زلزله مغازه شلوغ شد و من ساعت‌ها ماندم. عباس می‌گوید: همه اجناسی که از قدیم هم مانده بود، فروختم. مردم ترسیده بودند و می‌خواستند آن‌دقه بخرند و بروند. به نظر من زلزله پنج یا شش ثانیه بیشتر طول نکشید اما مردم خیلی ترسیدند. از شب چهارشنبه که زلزله آمد، تا زمان تهیه این گزارش هیچ خبر رسمی‌ای درباره مدت دوام (زمان) زلزله تهران منتشر نشده است.

هیچ چیز قابل پیش‌بینی نیست

مهندس اسماعیل فرزائگان، رئیس شبکه ملی شتاب‌نگاری زلزله ایران، در پاسخ به این سؤال می‌گوید: به خاطر اینکه در این چند روز در حال بررسی دیتاها بودیم، فرصت اینکه زمان زلزله را بیان کنیم وجود نداشت اما باید توضیح دهم مدت زمان لرزش زمین‌ که اصطلاح علمی آن مدت دوام زلزله است، در همه مناطقی که زلزله آمده است، یکسان نیست، مثلا در شرق تهران مدت دوام بسیار کمتر از غرب تهران بود. در ۷۵۰ کیلومتر تهران نمی‌توان به یک عدد واحد درباره مدت دوام رسید اما این را می‌توانم بگویم که در نزدیک‌ترین ایستگاه تهران که مرادآباد است، زلزله شش ثانیه ثبت شده؛ البته باز هم تاکید می‌کنم این به معنای آن نیست که تهران شش ثانیه لرزیده است، وی در توضیح صحبت‌هایش می‌گوید: ما زمان زلزله را در ایستگاه‌های مختلف از کانون زلزله تا سایر ایستگاه‌ها که داریم، اندازه‌گیری و یک میانگین را به‌عنوان مدت دوام زلزله اعلام می‌کنیم. او به زلزله سرپل‌ذهاب اشاره می‌کند



و می‌گوید: مدت دوام زلزله در سرپل‌ذهاب ۱۱ ثانیه اما در اسلام‌آباد غرب ۳۷ ثانیه بوده است؛ ما نمی‌توانیم بگویم این زلزله ۱۱ یا ۳۷ ثانیه بوده است؛ بلکه میانگینی از همه ایستگاه‌ها را اعلام می‌کنیم؛ به همین دلیل است که همه مردم به یک اندازه زلزله را احساس نمی‌کنند؛ مثلا یکی می‌گوید من بیشتر احساس کردم و دیگری کمتر احساس کرده است. این یک واقعیت است که زمان دوام زلزله را همه به یک اندازه احساس نمی‌کنند. علاوه بر پارامتر زمان میزان ترس مردم و احساس آنها نیز بسیار مهم است. وی در پاسخ به این سؤال که آیا می‌توان گفت یکی از شانس‌های مردم تهران در این زلزله مدت دوام کم آن بود، می‌گوید: مدت دوام زلزله یک پارامتر مهم در تخریب است اما تنها عامل آن نیست؛ بلکه باید عمق زلزله، شتاب و مقاومت سازه‌ها را هم سنجید. همه این عوامل با هم می‌تواند میزان تخریب را مشخص کند اما اگر بخواهیم یک پاسخ مشخص به سؤال شما بدهم، باید بگویم اگر همه پارامترا در این زلزله همین‌ی بود که حالا هست و زمان دوام آن بیشتر می‌شد، قطعا تخریب هم به وجود می‌آمد؛ البته منظور این نیست که وضعیت اسفباری به وجود می‌آمد اما اتفاقاتی مثل شکستن شیشه و ترک دیوار ... به وجود می‌آمد. مهندس اسماعیل فرزائگان، رئیس شبکه ملی شتاب‌نگاری زلزله ایران، درباره اینکه بالاخره این زلزله پیش‌زلزله بود یا زلزله اصلی، می‌گوید: با اطمینان می‌گویم هیچ‌کس به جز خدا پاسخ این سؤال را نمی‌داند. در هیچ کجای دنیا دستگاه‌ها فردی وجود ندارد که بتواند بیان کند زلزله اصلی یا فرعی کدام است؛ این حرف‌ها پایه علمی ندارد. او در پاسخ به این سؤال که پس چطور عده‌ای می‌گویند می‌شود زلزله را پیش‌بینی کرد، می‌گوید: آنچه برخی کارشناسان به آن استاد می‌کنند پیش‌بینی علمی نیست بلکه بررسی پارامترها آن را به این نتیجه می‌رساند که خطر وجود دارد یا خیر. به گفته هاکارنام در مرکز لرزه‌نگاری کرج در دو ماه گذشته به اندازه ۲۲ سال گذشته زلزله‌های خفیف در کرج ثبت شده است؛ این نشان می‌دهد که گسل کرج فعال شده، یعنی بررسی آماری یک دوره زمانی کارشناسان را به این نتیجه می‌رساند که یک گسل فعال شده و خطر وجود دارد یا نه اما هیچ‌کدام از آنها نمی‌توانند با استاد به یک فرمول علمی بگویند زلزله تهران پیش‌زلزله بوده یا زلزله اصلی؛ واقعیت این است، ما در منطقه سرپل‌ذهاب هم همین مسئله را داشتیم؛ چند روز قبل از زلزله هفت‌بهشتی سرپل چندین زلزله با قدرت سه تا چهارونیم ریشتر به وقوع پیوست؛ حتی ساعتی قبل از زلزله اصلی هم یک زلزله با قدرت بالای چهار ریشتر آمده بود. اگر بخواهیم به حرف‌های این دوستان استاد کنیم، پس نباید زلزله هفت‌بهشتی در آن منطقه می‌آمد

اما این اتفاق رخ داد. در مورد زلزله کوهبنان هم همین مسئله وجود دارد؛ گسل کوهبنان یک گسل فعال است و ما این را می‌دانستیم چون مدت‌هاست زلزله‌های خفیفی در آن منطقه می‌آید اما نمی‌توانیم بگویم که با فلان ریشتر در فلان زمان در آن منطقه زلزله می‌آید. او ادامه می‌دهد: واقعیت این است که در کشور ما گسل‌های فعال زیادی وجود دارد و ما هم امکانات و دستگاه‌های زیادی که نیاز کشور را کاملا برآورده کند، نداریم. مردم باید نسبت به زلزله همیشه آمادگی داشته باشند و بدانند کسی نمی‌تواند درباره زلزله پیش‌بینی دقیقی کند. فقط می‌توان گفت که باید آمادگی داشته باشیم تا خسارت به حداقل برسد. زلزله ۵/۲ ریشتری کوهبنان، پنجشنبه ساعت ۸:۴۰ شب اتفاق افتاد و با اینکه خسارات آن مالی بود و باعث زخمی‌شدن تعدادی از هم‌وطنانمان شد، اما به نسبت آنچه در تهران اتفاق افتاد خسارات بالایی را دربر داشت و تیم‌های ارزیاب بعد از بررسی دقیق منطقه، کار امدادرسانی به مردمی را که خانه‌هایشان را از دست داده بودند آغاز کردند.

مهندس ساسان فرزائگان درباره چرایی این موضوع می‌گوید: همه‌طور که گفتم، ویرانی یک زلزله به پارامترهای مختلفی بستگی دارد. در بُعد زمین‌شناسی آن علاوه بر مدت دوام، شتاب و دوری و نزدیکی به کانون باید بگویم عمق لرزش هم خیلی مهم است؛ مثلا اینکه چرا زلزله تهران در قم، گیلان، قزوین ... احساس شد به این دلیل بود که عمق این زلزله ۱۵ کیلومتری زمین بوده است. نکته بعدی دوام سازه‌هاست. مسئله این است که مثلا سازه‌های بتونی و سکی در صورت تخریب خسارات جانی شدیدی به وجود می‌آورد، به‌همین‌دلیل هم در مهندسی زلزله توصیه می‌شود سازه سبک‌تر باشد؛ مثلا خانه‌های چوبی یا خانه‌هایی که با مصالح سبک ساخته می‌شوند احتمال به‌بارآوردن خسارت‌های سنگین در صورت تخریب به وسیله آنها بسیار کمتر است و افراد بیشتری زنده می‌مانند و البته تخریب هم کمتر است. تفاوت خسارات در کوهبنان و تهران هم در همان پارامترهایی است که بیان کردم.



نگاه

مطالعه موردی نزاع ودرگیری سروان لیلیا حیدری*

● پدیده نزاع و درگیری در جامعه از آن دست آسیب‌هایی است که با ایجاد اختلال در روابط اجتماعی فضایی آکنده از بغض و کینه و دشمنی را میان افراد به‌وجود می‌آورد که این امر با زمینه‌سازی برای ایجاد نزاع و تنش‌های بعدی، جامعه را از نظر مادی و معنوی متضرر می‌کند و مواجهه با آن همواره مورد توجه متولیان نظم و امنیت اجتماعی بوده است.

انسان‌ها در طول تاریخ حیات اجتماعی خویش، براساس زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و تحت‌تاثیر شرایط اقتصادی، سیاسی و ارزش‌های حاکم بر جامعه، تنوعاتی از رویارویی‌ها و تقابلات مثبت و منفی فردی و گروهی را تجربه کرده‌اند و گاه در تضاد، ستیزه و نزاع با همدیگر به سر برده و گاه در صلح، آرامش و نوع‌دوستی بوده‌اند.

نزاع در هر جامعه‌ای همیشه به عنوان یکی از مسائل اجتماعی مطرح بوده است و درصورتی‌که عمومیت پیدا کند و موجب جریحه‌دارشدن افکار عمومی شود، به عنوان یک جرم به آن پرداخته می‌شود.

جنک و ستیزه‌جویی و نزاع یکی از ناگوارترین

حالت‌های جامعه انسانی است که قدمتی به طول عمر بشر دارد و نه‌تنها با رشد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و... جوامع انسانی از بین نرفته، بلکه با شیوه‌های مدرن‌تر در هر دوره‌ای به وقوع پیوسته است. علل وقوع نزاع‌ها، از بهانه‌گیری از یکدیگر تا مسائل مختلف حیثیتی، ناموسی و قبیله‌ای است.

برای کاستن شدت و فراوانی این معضل اجتماعی، باید جامعه احساس تکلیف و مسئولیت کند و دست‌به‌کار شود؛ باید اخلاق

نیکو، برخورد احترام‌آمیز و سعه‌صدر گسترش

یابد و مردم با عمق وجود احساس‌کنند که

با عغو و مدارا می‌توان از خیلی از درگیری‌ها و

نزاع‌ها جلوگیری کرد و با آموزش مهارت‌های زندگی و یادگیری، مسائلی مانند خونسردی،

مناات، تأمل، تفکر و افزایش آستانه تحمل افراد

می‌توان میزان نزاع و درگیری را در سطح جامعه

کاهش داد.

● معاونت اجتماعی فاتب، اداره برآورد اجتماعی و افکارسنجی

برای کاستن شدت و فراوانی این معضل اجتماعی، باید جامعه احساس تکلیف و مسئولیت کند و دست‌به‌کار شود؛ باید اخلاق

نیکو، برخورد احترام‌آمیز و سعه‌صدر گسترش

یابد و مردم با عمق وجود احساس‌کنند که

با عغو و مدارا می‌توان از خیلی از درگیری‌ها و

نزاع‌ها جلوگیری کرد و با آموزش مهارت‌های زندگی و یادگیری، مسائلی مانند خونسردی،

مناات، تأمل، تفکر و افزایش آستانه تحمل افراد

می‌توان میزان نزاع و درگیری را در سطح جامعه

کاهش داد.

● معاونت اجتماعی فاتب، اداره برآورد اجتماعی و افکارسنجی

برای کاستن شدت و فراوانی این معضل اجتماعی، باید جامعه احساس تکلیف و مسئولیت کند و دست‌به‌کار شود؛ باید اخلاق

نیکو، برخورد احترام‌آمیز و سعه‌صدر گسترش

یابد و مردم با عمق وجود احساس‌کنند که

با عغو و مدارا می‌توان از خیلی از درگیری‌ها و

نزاع‌ها جلوگیری کرد و با آموزش مهارت‌های زندگی و یادگیری، مسائلی مانند خونسردی،

مناات، تأمل، تفکر و افزایش آستانه تحمل افراد

می‌توان میزان نزاع و درگیری را در سطح جامعه

کاهش داد.

● معاونت اجتماعی فاتب، اداره برآورد اجتماعی و افکارسنجی

برای کاستن شدت و فراوانی این معضل اجتماعی، باید جامعه احساس تکلیف و مسئولیت کند و دست‌به‌کار شود؛ باید اخلاق

نیکو، برخورد احترام‌آمیز و سعه‌صدر گسترش

یابد و مردم با عمق وجود احساس‌کنند که

با عغو و مدارا می‌توان از خیلی از درگیری‌ها و

نزاع‌ها جلوگیری کرد و با آموزش مهارت‌های زندگی و یادگیری، مسائلی مانند خونسردی،

مناات، تأمل، تفکر و افزایش آستانه تحمل افراد

می‌توان میزان نزاع و درگیری را در سطح جامعه

کاهش داد.

● معاونت اجتماعی فاتب، اداره برآورد اجتماعی و افکارسنجی

برای کاستن شدت و فراوانی این معضل اجتماعی، باید جامعه احساس تکلیف و مسئولیت کند و دست‌به‌کار شود؛ باید اخلاق

نیکو، برخورد احترام‌آمیز و سعه‌صدر گسترش

یابد و مردم با عمق وجود احساس‌کنند که

با عغو و مدارا می‌توان از خیلی از درگیری‌ها و

نزاع‌ها جلوگیری کرد و با آموزش مهارت‌های زندگی و یادگیری، مسائلی مانند خونسردی،

مناات، تأمل، تفکر و افزایش آستانه تحمل افراد

می‌توان میزان نزاع و درگیری را در سطح جامعه

کاهش داد.

● معاونت اجتماعی فاتب، اداره برآورد اجتماعی و افکارسنجی

برای کاستن شدت و فراوانی این معضل اجتماعی، باید جامعه احساس تکلیف و مسئولیت کند و دست‌به‌کار شود؛ باید اخلاق

نیکو، برخورد احترام‌آمیز و سعه‌صدر گسترش

یابد و مردم با عمق وجود احساس‌کنند که

با عغو و مدارا می‌توان از خیلی از درگیری‌ها و

نزاع‌ها جلوگیری کرد و با آموزش مهارت‌های زندگی و یادگیری، مسائلی مانند خونسردی،

مناات، تأمل، تفکر و افزایش آستانه تحمل افراد

می‌توان میزان نزاع و درگیری را در سطح جامعه

کاهش داد.

● معاونت اجتماعی فاتب، اداره برآورد اجتماعی و افکارسنجی

برای کاستن شدت و فراوانی این معضل اجتماعی، باید جامعه احساس تکلیف و مسئولیت کند و دست‌به‌کار شود؛ باید اخلاق

نیکو، برخورد احترام‌آمیز و سعه‌صدر گسترش

یابد و مردم با عمق وجود احساس‌کنند که

با عغو و مدارا می‌توان از خیلی از درگیری‌ها و

نزاع‌ها جلوگیری کرد و با آموزش مهارت‌های زندگی و یادگیری، مسائلی مانند خونسردی،

مناات، تأمل، تفکر و افزایش آستانه تحمل افراد

می‌توان میزان نزاع و درگیری را در سطح جامعه

کاهش داد.

● معاونت اجتماعی فاتب، اداره برآورد اجتماعی و افکارسنجی

برای کاستن شدت و فراوانی این معضل اجتماعی، باید جامعه احساس تکلیف و مسئولیت کند و دست‌به‌کار شود؛ باید اخلاق

نیکو، برخورد احترام‌آمیز و سعه‌صدر گسترش

یابد و مردم با عمق وجود احساس‌کنند که

با عغو و مدارا می‌توان از خیلی از درگیری‌ها و

نزاع‌ها جلوگیری کرد و با آموزش مهارت‌های زندگی و یادگیری، مسائلی مانند خونسردی،

مناات، تأمل، تفکر و افزایش آستانه تحمل افراد

می‌توان میزان نزاع و درگیری را در سطح جامعه

کاهش داد.

● معاونت اجتماعی فاتب، اداره برآورد اجتماعی و افکارسنجی

برای کاستن شدت و فراوانی این معضل اجتماعی، باید جامعه احساس تکلیف و مسئولیت کند و دست‌به‌کار شود؛ باید اخلاق

نیکو، برخورد احترام‌آمیز و سعه‌صدر گسترش

یابد و مردم با عمق وجود احساس‌کنند که

با عغو و مدارا می‌توان از خیلی از درگیری‌ها و

نزاع‌ها جلوگیری کرد و با آموزش مهارت‌های زندگی و یادگیری، مسائلی مانند خونسردی،

مناات، تأمل، تفکر و افزایش آستانه تحمل افراد

می‌توان میزان نزاع و درگیری را در سطح جامعه

کاهش داد.

● معاونت اجتماعی فاتب، اداره برآورد اجتماعی و افکارسنجی

برای کاستن شدت و فراوانی این معضل اجتماعی، باید جامعه احساس تکلیف و مسئولیت کند و دست‌به‌کار شود؛ باید اخلاق

نیکو، برخورد احترام‌آمیز و سعه‌صدر گسترش

یابد و مردم با عمق وجود احساس‌کنند که

با عغو و مدارا می‌توان از خیلی از درگیری‌ها و

نزاع‌ها جلوگیری کرد و با آموزش مهارت‌های زندگی و یادگیری، مسائلی مانند خونسردی،

مناات، تأمل، تفکر و افزایش آستانه تحمل افراد

می‌توان میزان نزاع و درگیری را در سطح جامعه

کاهش داد.

● معاونت اجتماعی فاتب، اداره برآورد اجتماعی و افکارسنجی

برای کاستن شدت و فراوانی این معضل اجتماعی، باید جامعه احساس تکلیف و مسئولیت کند و دست‌به‌کار شود؛ باید اخلاق

نیکو، برخورد احترام‌آمیز و سعه‌صدر گسترش

یابد و مردم با عم